

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چگونگی پرورش ایده برای حل مسائل علوم اسلامی- انسانی

استاد روحبخش

مدرسه علمیه عالی نواب

فهرست مطالب

چگونگی پرورش ایده برای حل مسائل علوم اسلامی- انسانی..... ب

- مقدمه ۵
- هدف از تحصیل و پژوهش ۷
- علل پرسش ۸
- علت اول ۸
- علت دوم ۸
- علل نیازمحور فکر نکردن ۱۱
۱. نیازمند درس نخواندن ۱۱
۲. نیازمحور نبودن کتاب های درسی ۱۱
۳. نیاز محور تدریس نکردن استاد ۱۱
- سوالات ۱۲
۴. نیاز محور ارزیابی نشدن ۱۳
۵. مناسب نبودن فضا و اتمسفر آموزشی ۱۳

تاسیس ۱۰۸۶ ه.ق

مدرسه علمیه عالی نواب

مقدمه

سال هفتاد و هشت سال سوم طلبگی بودم که مدیر مدرسه آموزش کامپیوتر را در مدرسه مان راه انداخت. مشکلی که بود این بود که من چون از پنجم آمده بودم حوزه، سه سال از بقیه کوچک تر بودم. این عقب ماندگی چند جا به من ضربه زد و یکی اش این بود که اجازه ندادند کلاس کامپیوتر شرکت کنم. اگر مدرسه حضرت مهدی رفته باشید، سکوهایی دارد که می توانید کنار پنجره بنشینید. من نیز در کنار پنجره می نشستم و کلاس را گوش می دادم. این که به غرورم برخورد خیلی من را علاقه مند کرد به مباحث کامپیوتر.

تازه ده سالی بود که مرکز نور راه افتاده بود. که اولین اقدام رهبری مقام معظم رهبری بود. مشخص است که اولین اقدام اشخاص معمولاً مهم ترین اقدام است. سیستم های نرم افزار ها در داس بود؛ مثلاً بیست فلاپی یک کتاب مکاسب بود. تقریباً خیلی از وقت های مان را پای کامپیوتر گذاشتیم و بعد از آن، اکثر بچه های آن کلاس عضو کلاس خودم شدند. از همان ابتدا دوست داشتم که اینها را به دیگران آموزش بدهم. نرم افزار های علوم اسلامی را نیز ما در این مدرسه راه اندازی کردیم.

رسیدیم به آغاز دهه نود که شاهد تغییرات زیادی بودیم. یکی از آنها این بود که حالا اینهمه چیز یاد گرفتی، که چه؟ سوال مهمی همیشه مد نظرم بود که ثم ماذا؟ یعنی مثلاً این کتاب را خواندی که چه بشود؟ بتوانی فقط نمره بگیری؟ آیا واقعا سیستمی که در حوزه است پاسخ درستی به این که چه ها

می‌دهد؟ زمانی می‌خواستند سند چشم انداز حوزه را بنویسند زمانی که می‌خواستند ساختار حوزه علمیه را تشکیل دهند درخواست دادم که یک اداره ثم ماذا نیز بسازید. مثلاً قواعد اعلال را که یاد گرفت سپس چه؟ برای چه اینها را باید یاد بگیرد؟ طلبه را به ذهن پاسخ به که چه بار بیاورید که وقتی به کتاب مکاسب دویست سال قبل رسید بدانند که چرا باید این کتاب را بخواند. یا اصول فقه که از اصول فقه آقای سبحانی تا کفایه را که می‌خواند هفتصد ساعت اصول فقه خوانده می‌شود؛ سپس چه؟ اینهمه اکوسیستم درگیر اصول فقه است. بعد از اینکه اینها را خواندید چه می‌شود؟

اگر این تفکر شکل بگیرد، هر اقدامی که در حوزه انجام می‌دهید بعدش ثم ماذا می‌آید ولی اگر این نباشد جوگیرانه عمل می‌کنید. مثلاً در بحث تبلیغ حضرت اقا این را مقسم قرار داده اند نه قسیم. یعنی اگر آموزشی هست باید برای تبلیغ باشد اگر اعتقادات هست باید برای تبلیغ باشد. لذا ما نمی‌توانیم پاسخ بدهیم به شبهات جوانان. درحالی که قبلاً اینگونه نبوده است.

سال ۹۱ با یک سیستمی به اسم استارت آپ آشنا شدیم که یکی از مواردش که الان داریم طاقچه است. همه این فضاها را دادیم و با سی و خرده ای اندیشمند صحبت کردیم و به گفت و گو پرداختیم که ببینیم باید چه کرد؟ بنده مسیرهای زیادی را طی کردم تا فقط به این سوال پاسخ دهم که کاربردی سازی علوم اسلامی یعنی چه؟ اصلاً علوم اسلامی قابلیت کاربردی شدن را دارد یا ندارد؟ اگر می‌شود با چه فرمولی می‌شود؟ چهار ساعت با آقای رشاد گفتگو کردیم. با سید عباس موسویان عضو شورای فقهی بانک مرکزی نیز همین طور گفتگو کردیم که باید چه کرد زیرا طلبه‌ها احساس بی‌هویتی می‌کنند. طلبه‌ها، دوبرابر آنچه پارسال وارد حوزه شدند از حوزه خارج شدند.



هدف از تحصیل و پژوهش



علل پرسش

علت اول

من که هستم برای چه هستم؟ هدفم از خواندن این درس و طلبگی چیست؟

علت دوم

ما در مملکت اسلامی زندگی می‌کنیم و نظام اسلامی داریم. این نظام سوال و مسائل زیادی دارد که ما باید به آن پاسخ دهیم.

در همایش علامه حلّی که آثار پژوهشی طلبه‌ها در آنجا جمع و داوری می‌شود و جایزه می‌دهند، من را دعوت کردند که به قم بروم. آنجا سالن همایشی بود که نهمصد نفر در آنجا جا می‌شد. آقای لاریجانی صحبت می‌کرد و می‌گفت آقایان من چهار سال است که اینجا صحبت می‌کنم و می‌گویم در قوه قضاییه بسیار مسائل حل نشده داریم و کسی نیست که به اینها پاسخ بدهد؛ چرا در این باره پژوهش نمیکنید؟ این آخرین باری است که بنده به اینجا آمده‌ام. آخرش اینگونه شد که سال دوم ریاست آقای رئیسی مرکز نوآوری قوه قضاییه در خصوص پاسخ به مسائل قوه قضاییه تأسیس شد که مؤسس آن، معاونت علمی ریاست جمهوری آقای ستاری بود نه اینکه حوزویان تحقیقات آن را به عهده بگیرند.

مثالی بزنم: دوره دوم آقای احمدی نژاد را یادتان می‌آید؟ راهی نبود که در آن ساخت و ساز نباشد پول نفت زیاد شده بود و تحریم‌ها کم شده بود و ساخت و ساز زیاد شده بود. آنقدر ساخت و ساز زیاد شد که از بودجه دولت بیشتر ساختند و کارفرما‌ها از دولت طلبکار شده بودند که مبلغ آن، هزاران هزار میلیارد شده بود. بعد از آن دولت آقای روحانی که آمد، دید بودجه دولت منفی است و اینها طلبکارند. اینجا راهکاری اقتصادی نیاز بود که مشکل شرعی نیز نداشته

باشد. خدا آقای موسویان را رحمت کند؛ ایشان طرحی را دادند که «طرح اوراق قرضه اسلامی» نام داشت. یادم هست که آقای مروارید و دیگر علما بحث می-کردند تا به یک الگو رسیدند و آن را به شوراهاى بانک مرکزی بردند تا چند اقتصاددان و مسئول مملکت این نظرات را ارزیابی کنند.

این طرح نه تنها ایراد اقتصادی و علمی نداشت، بلکه ایراد اجرایی نیز نداشت و این طرح تصویب شد و دولت آقای روحانی از یک مسئله بحران بدهی هزاران کارفرما، نجات پیدا کرد و این یعنی یک نظریه که از حوزه علمیه صادر شده است، توسط متخصصان تأیید شد و توسط مجلس قانون شد و توسط دولت اجرا شد. سی و چهار شورای فقهی در کشور ما وجود دارد. در همین مدرسه نواب طلبه ای بود که درباره محیط زیست پایان نامه می نوشت من به او گفتم به تو قول می دهم به کارشناس محیط زیست ارجاع دهیم و این طرح اجرا شود و مدیر کل استان نیز آن را پسندید.

بنده به هیچ عنوان انتقادی به سیستم ندارم؛ زیرا فایده ای ندارد. برادر بزرگ شهید مطهری زمانی که از او سوال کردند شهید مطهری چگونه شهید مطهری شد؟ جواب داد: ایشان در مدرسه نواب بود و زمان رضا خان تبدیل به استبل شد. این حجره ها تبدیل به استبل نیروهای نظامی خودش کرد. این را از مطبوعات آستان قدس گفتم آنجا تاریخچه مدرسه نواب را آورده اند. شهریه طلاب را نیز در آنجا آورده اند که در هر دوره چه میزان بوده است. مدرسه نواب دومین مؤسسه است که موقوفات زیادی دارد و بعد از دانشگاه هاروارد میباشد. خلاصه وی گفت بعد از استبل شدن مدرسه نواب، پدرش کتابخانه ای داشت و شهید از همان موقع به کتابخانه پدرش رفت و ذهنش را به صورت سیستماتیک آموزش نداد. (البته این را به همه توصیه نمی کنم زیرا ممکن است

انسان را گمراه کند.) نقطه دوم تغییر ایشان وقتی بود که به دانشگاه رفت و در معرض سوالات دانشجویان قرار گرفت.

حالا نوبت به پاسخگویی به سوالات شما می‌رسد. قبل از پرسیدن سوال به این فکر کنید که اینهمه وقت ما گرفته شد که به این جلسه بیاییم که چه؟ فایده اش برای ما چیست؟ آخرین نکته ای که باید بگوییم این است که الان تلویزیون ما سه سریال جدید دارد و شبکه نمایش خانگی با دویست و بیست شرکت دارای مجوز، پنجاه و چهار سریال در حال پخش دارد و اگر هرروز سریال نگاه کنید تمام نمی‌شود. اگر از رئیس صدا و سیما پرسید چرا تلویزیون دیگر بازیگران درجه یک اش را ندارد؟ پاسخ می‌دهد که زیرا نمایش خانگی پول بیشتری به بازیگران می‌دهد؛ از کجا می‌آورد که به بازیگران بدهد؟ علت اش این است که مردم حاضر هستند بخاطر این ها پول بپردازند.

حالا وظیفه ما چیست؟ ما باید مفاهیم را متناسب با دین ساده سازی کنیم و به متخصصان بدهیم تا آن را اجرا کنند. مثلاً یک عالم باید محتوا را بدهد تا کارگردان مختار نامه را بنویسد و فیلم آن را بسازند. باید محتوای دینی را با کارهای دیگر ترکیب کرد. کار طلبه آن نیست که برود فتوشاپ کند بلکه باید محتوای دینی طراحی کند تا دیگران اجرا کنند. جمله ای می‌گوییم؛ اولین چیزی که به ذهن تان آمد به من بگویید. فرشته؛ چه در ذهن تان آمد؟

یک شیء سفید بالدار مؤنث؛ آقایان این که فرشتگان مؤنث و سفید هستند را از کجا آورده اید؟ انگاره های ذهنی ما از کجا نشأت می‌گیرد؟ جوابش هالیوود است که از بچگی برنامه کودک ها آن را برای ما به نمایش می‌گذاشتند. من طلبه باید به این سوالات پاسخ دهم که آیا موارد ماوراء الطبیعی را می‌توان به

تصویر کشید و برای آن فیلم ساخت؟ این را باید طلاب رشته کلام اسلامی پاسخ دهند.

به یک نوجوان اگر بخواهید مسائل اسلامی را یاد بدهید چگونه آموزش می‌دهید؟ چه بازی ای برایش می‌سازید؟ مفاهیم اش را باید از کجا بیاورید؟ باید یک طلبه تاریخ‌خوان و تاریخ‌دان اینها را بنویسد و به بازی ساز بدهد که آن را بسازد. کتاب‌ها آقای صفایی حائری پیش فروش می‌شود. مثلاً کتاب حاصل‌ها و جمع‌ها پیش فروش می‌شود. همین آقای راجی خودمان، می‌گفت هندی ای کتاب صعود چهل ساله را به انگلیسی ترجمه کرده است و فروخته است زیرا طرح بصری خوبی دارد.

علل نیازمحور فکر نکردن

۱. نیازمند درس نخواندن
۲. نیازمحور نبودن کتاب‌های درسی
۳. نیاز محور تدریس نکردن استاد

حقوق اسلامی می‌خواندیم که استاد سر کلاس گفت: دوستان چه کسی حاضر است این مسئله را بررسی کنیم؟ در روزنامه ای در قسمت حوادث، فالانی مزاحم ناموس مردم شده است و ناهی از منکر با مزاحم درگیر شده است، ناهی که درگیر شده است چاقو به شکم مزاحم زده است و قاضی وی را تبرئه کرده است چه کسی حاضر است در این باره تحقیق کند؟ من رفتم و بررسی کردم جالب بود که قاضی دیگری در پرونده مشابه حکم به قصاص داده‌است. بعد این مسئله سرایت کرد به مسئله دفاع و محافظت از دیگری که بعضی‌ها این را جایز نمیدانند. یادم می‌آید که آن زمان پول زیادی به بنده دادند بابت تحقیقاتی که میکردم. سپس دو هفته بعد در همایشی در قم که اندیشه‌های فقهی مرحوم امام را رونمایی میکردند، از من دعوت کردند که شما نیز کارهایتان را ارائه بدهید.

بعد دیدم علتش این است که یکی از منابعی که بنده در مقاله ام آورده بدم تحریر الوسيله مرحوم امام بود و بخاطر همان به بنده جایزه دادند.

شما باید نیاز های فقهی مسائل مختلف کشور را حل کنید و به سایت های مختلف سر بزنید که با مسائل آشنا شوید. بنده یکبار این مسائل را جمع کردم آنقدر زیاد بود که حوصله ام سر رفت و ادامه ندادم. نکته دیگری که باید دقت کنید این است که در هر مورد باید با متخصص آن نیز مشورت کنید. در مسئله بورس نیز از بنده درخواست کردند که برایشان پژوهش کنم. سایت کارگزاری مفید گفت که میخواهیم یک مجله اینترنتی در سایت شما تولید کنیم که مباحث فقهی بورس را بررسی کنیم. من گفتم شما ابتدا یک کارشناس به ما معرفی کن و من گروه طلبه ها را به شما معرفی میکنم که باهم کار کنید. طلبه ها گفتند هفتادتا سوال شده است ۲۷۰ سوال. علت اش این کارشناس متخصص موضوع شناسی بود و پول زیادی نیز به بنده دادند. این حداقل کاری است که میتوانید به نظام اسلامی بکنید.

یکی دیگر از مسائل مورد نیاز امروزه رمزارزها هستند مثل کریپتو. جوانی به بنده مراجعه نمود و گفت: حاج آقا چه فرقی بین دوج کوین و بیت کوین است؟ به او توضیح دادم که فرق شان با یکدیگر چیست. همین کاری که با بورس کردیم با ارز دیجیتال نیز کردیم و طلبه ها و متخصصان باهم مسائل فقهی این مسئله را بررسی می کردند.

سوالات

این نقد ها چه فایده ای دارد؟ میخواهید به چه برسید؟

جواب: ما یک مؤسسه ای به اسم خانه فناوری شهید هاشمی نژاد داریم که عالم انقلابی روشنفکری بوده است. ما طلبه هایی را که به دنبال پاسخگویی

به مسائل هستند را می‌آوریم اینجا و دو کار می‌کنیم: یا به کارگاه ما می‌آیند و ما آموزش تبدیل ایده به محصول می‌دهیم. یا به آنها سطح بالاتری را آموزش می‌دهیم و آن این است که آموزش می‌دهیم که چگونه محصول خود را تجاری کنند.

در این خصوص باید با تیم تان یک تا دو سال وقت بگذارید و محصول تان را تجاری کنید. مردم بابت محصولی پول می‌دهند که نیازشان را برطرف کند پس کاری که شما ارائه می‌دهید باید نیاز مردم را پاسخ دهد. امکان دارد کتاب بنویسید یا دوره آموزشی باشد یا بازی موبایلی یا کامپیوتری باشد یا به یک سریال و ساخت فیلم وصل شوید.

۴. نیاز محور ارزیابی نشدن

۵. مناسب نبودن فضا و اتمسفر آموزشی

فضای آموزشی و اتمسفر و مدیریت آموزشی درست نیست. شما نباید از هر چیزی یک چیزی بخوانید و فقط امتحان دهید. این معنا ندارد.

آدرس ما فلکه صاحب زمان کنار مسجد صاحب زمان است. می‌توانید به آنجا بیایید و دوره را برایتان برگزار کنیم.

مشکلی که باعث می‌شود کار شما پذیرفته نشود ضعیف بودن آن است که حتی نزد برخی از حوزوی‌ها نیز خریدار ندارد. بروید کمپ ترک اعتیاد ببینید طلبه‌ها در این فضاها چه کار می‌کنند. بروید تا شما را ببینند. مجمع آقای تهرانچی که بادصبا را تولید کرد را بروید ببینید تا بدانید فرایند تولید چگونه است. باید بروید جاهای مختلف را ببینید تا افق دیدتان نیز گسترش یابد.

جایی رفتم دیدم جوانانی نشسته‌اند و دارند انیمیشن تولید می‌کنند از مسئولان پرسیدم چرا اینها را در صدا و سیما می‌نشان نمی‌دهند؟ جواب داد که

چون پول نمی‌دهند اینها را به امارات و کشور های عربی می‌دهیم و پول بیشتری می‌گیریم.

خیلی‌ها آمدند جای ما و گفتند نه جا داریم نه درآمد داریم و نه چیزی دیگر. اینها رفتند مکانی را کرایه کردند و یک شرکت استعدادیابی نوجوانان در راستای آموزش دینی تأسیس کردند و در حال خدمات‌دادن هستند.

من نمی‌توانم برای شما در موارد چالش‌های فرهنگی مصداق تعیین کنم زیرا با موارد دیگر فرق دارد. مؤسسه ما چندین گروه را آموزش داد که همین الان در کشور در حال کار هستند. شما باید نیازسنجی کنید مثلاً برای همین مورد استعدادیابی نوجوانان باید همه نیازها را در نظر بگیرید. آیا پولی که به این شرکت می‌دهند تا استعدادیابی‌شان کنند بیهوده می‌دهند؟ اینها همگی پاسخ نیاز دارد. ما در استعدادیابی هویت افراد را به آنها می‌گوییم.

ما سه نیاز داریم ۱. نیاز دستگاه و نظام ۲. نیاز جامعه ۳. نیاز بین الملل؛ بلکه حتی شش نوع نیاز بیان نشده داریم. مثلاً وقتی معاون بهزیستی کشور می‌گوید ۸۷ درصد از طلاق‌هایی که در کشور ثبت می‌شود در پنج سال اول زندگی رخ می‌دهد و مهم‌ترین علت‌اش این است که نمی‌توانند رابطه جنسی برقرار کنند. و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.